

عَدَه بِ دَلْمَونَد صفحهٔ دوشمند تُوی انباری مدرسه

۱۶

رویا صدر

تصویرگر: سام سلاماسی



کوچه بروند و فوتیال بازی کنند و توب‌هایشان به طرز سی‌رخمانه‌ای شیشه خانه‌ها را می‌شکسته و یا داخل حیاط همسایه سقوط می‌کرد. که عکس العمل بجا و به موقع همسایه مواجه می‌گردیده است. یکبار مادر خوانده‌اش به همسرش گفته: «آخه مردا یه فکری بکن... پاره کردن توب پلاستیکی با چاقو که نشد کار...»

«استیو که آن زمان طفل گوشه‌گیری بیش نبوده، به مادر خوانده‌اش قول داده وقتی بزرگ شد، کاری کند که بچه‌ها گوشۀ عزلت را به کوچه و خیابان ترجیح دهند و جز در موقع اضطراری، خویشتن خویش را از جلوی دستگاه بلند ننمایند. او تا آخر عمر به این قول وفادار مانده و در عرصه فیلم اینیمیشن و تبلت و بازی‌های کامپیوتری به یک جانشینی کودکان یاری بسیار کرده است؛ به گونه‌ای که بعدها مادر خوانده‌اش به او گفته: «مادر دستت درد نکنه، خدا یک در دنیا صد در آخرت عوضت بدی چه خوب کاری کردم، از دیوار صدا در بیاد، از این بچه‌ها در نمی‌باید! انگار نه انگار که زنده‌ان...»

▲ استیو جایز تنها یک ترم به کالج هنرهای لیبرال رفته و پس از آن انصراف داده است. منابع آگاه و نیمه‌آگاه در این رابطه می‌گویند او در کودکی احتمالاً دوست داشته خلبان شود. ولی با توجه به اینکه پدر خوانده‌اش یک مکانیسین کارخانه ساخت لیزر و مادر خوانده‌اش یک حسابدار بود، طبیعتاً اولی اعتقاد داشته که او در طراحی دستگاه‌های جوش لیزری حکاکی دو بعدی و سه بعدی داخل شیشه و کریستال استعداد دارد و دیگری می‌گفته نخیر، او باید حسابداری بخواند و این روزها نون توی حسابداریه. این است که استیو از همان اون کودکی احتمالاً به انواع و اقسام کلاس‌های راحت‌الحلقوم کنکور و دیگر کلاس‌ها رفته و در مدیریت و لیزر و الکترونیک و مکانیک و شیشه و کریستال تجربه‌ها آموخته است ولی نهایتاً رتبه نیاورده و در کالج هنرهای لیبرال قبول شده. اما از بیم آنکه فیلم‌ها و

در مورد استیو جایز، مؤسس کمپانی اپل و پدر آی‌پد اخیراً توسط برخی منابع آگاه و ناآگاه کشف و به حاشیه زندگی نامه‌اش سنجاق شده است. رشد مدرسه فردا برای اولین بار این ناگفته‌ها را افشا می‌کند.

▲ استیو جایز در اولین موقعیت شغلی اش تکنیسین طراح بازی‌های ویدیویی در شرکت آتاری بوده است. به گفته منابع آگاه و ناآگاه در و همسایه، این انتخاب ریشه در دوره کودکی اش دارد. منابع مذکور از شب‌های درازی یاد می‌کنند که او تا دیر وقت پای تلویزیون می‌نشسته و تخمۀ آفتاب‌گردان می‌شکسته و جام ملت‌های اروپا و نود و فردوسی پور نگاه می‌کرده است. مادر خوانده‌اش می‌گفته: «بابا اون تلویزیون لامصبو خاموش کن برو بگیر بخواب. مگه فردا درس و مدرسه نداری؟» استیو هم پاسخ می‌داده: «بله ولی ورزش هم برای نوجوانان لازم است. چرا که می‌تواند کاری کند که آن‌ها از پای تلویزیون جم نخورند.» شاید این امر بتواند توجیه‌گر علاقه او به ساخت نرم‌افزارهایی باشد که می‌شد با آن‌ها به کمک انگشتان سبایه دو دست، فوتیال و سایر ورزش‌های را بازی کرد و حتی با غول چراغ جادو هم جنگید و پیروز شد. او در گفت‌و‌گو با کاربران پیچ گفته‌های بزرگان «فیس‌بوک درباره ورزش گفته است: «ورزش به خصوص در حالت نشسته پای دستگاه‌ش خیلی چیز مفیدی است؛ حیف که پدر و مادر و معلم‌هانمی دانند!»

▲ شک نیست که دوران ابتدایی برای استیو خسته‌کننده بوده است. برای توضیح این مسئله، باز هم پای صحبت منابع آگاه و ناآگاه فوق می‌نشینیم. آن‌ها می‌گویند در آن روزها استفاده از رسانه‌های دیجیتالی، همگانی نبوده و بچه‌ها در بعدازظہرها گرم تابستان چاره‌ای نداشتند جز اینکه به

ام باشد!

نمایشنامه‌هایش اجازه اکران و کنسرت‌هایش (علی‌رغم داشتن مجوز کتبی از وزارت کنسرت ایالات متحده) اجازه اجرا پیدا نکند از تحصیل انصراف داده است. استیو بعدها در یک گفتگوی در گوشی با نشریه زرد: «چگونه شایعه بسازیم» گفت: «حالا می‌فهمم چقدر خوب شد ادامه تحصیل ندادم؛ چرا که اگر دانشگاه می‌رفتم و درس می‌خواندم، الان به خیل عظیم بیکاران و دپرسان جوامع بشری پیوسته بودم...».

↑ جایز گیاه خوار و میوه‌خوار بوده و بر همین اساس، نام شرکتش را «پل» گذاشته است اما منابع نزدیک به در و همسایه می‌گویند او همیشه برای سبب (به خصوص سبب گلاب) ارزش فراوانی قائل بوده و اعتقاد داشته سبب اتفاقی است که می‌افتد و کودهای شیمیایی نمی‌گذارند به راحتی عمل بیاید. او بر همین اساس کمپین «من از کودهای شیمیایی متفرقم» را در فضای مجازی به راه اندخته تا بشریت برای همیشه این پدیده مخرب را وداع گوید.
پیچ این کمپین در فیس‌بوک با ۳۸۹،۹۴۶ عضو، رکورد پیچ «من از خم بینی‌های عقابی آدمهای مارمولک صفت متفرقم» را پشت سر گذاشته و توانسته سرفصل نوینی را در فناوری تولید لایک و پیچ در فیس‌بوک بگشاید. از سرنوشت کودهای نامبرده اطلاعی در دست نیست...

↑ جایز، مثل بقیه مدیران شرکت‌های بزرگ فناوری، فرزندانش را به مدارسی می‌فرستاده که اجازه استفاده از هیچ‌گونه گجتی به آن‌ها داده نمی‌شد و آن‌ها تنها ۳۰ دقیقه در طول هفته در ایام تعطیل می‌توانستند از گجت‌های هوشمند استفاده کنند. به گفته منابع متخصص و آگاه از جمله «شرکت مشاوران دستگاه‌های الکترونیک هوشمند مدارس از گهواره تا گور» این کار در دوره تکنولوژی مدرن که در برخی از نقاط دنیا توی سیسمونی نوزادان نیز آی پد هست، اصلاً کار درستی نیست و باعث می‌شود بچه عقده‌ای و بی‌سواد بار بیاید و بگوید همه آی پد دارند، ولی پدر بی‌فکر من برایم تهیه نمی‌کند. همین منابع از قول فرزند جایز نقل می‌کنند که گفته: «عدهه به دلم موند مثل دانش‌آموزان ایرانی صفحه هوشمند توی انبار مدرسه‌ام باشد و یا مثل تمام نوزادان ایرانی یک آی پد یا حداقلش آیفون داشته باشم ولی این بابای خسیسم نگذاشت و گفت: نه... می‌خوای چیکار؟ حالا خوبه ناسلامتی خودش اختراعش کرده بود...».

↑ جایز هنگام صرف شام برای فرزندانش داستان و شعر می‌خوانده یا با آن‌ها درباره وقایع جذاب صحبت می‌کرده و به آن‌ها حق استفاده از آی‌پد، لپ‌تاپ و یا هر گجت دیگری را نمی‌داده است... به گفته همان منابع آگاه، این امر باعث شده بود که وی بارها از طرف انجمن «حمایت از خرید آی‌پد برای بچه‌های بیکار» مورد سرزنش قرار گیرد و همسرش دائم به او تذکر بدده: «بابا چقدر حرف می‌زنی، سرم رفت... مردم شوهر و بچه دارن و مدام سرشون توی آی‌پدشونه و باید با جرثقیل بیارشون سر سفره و با انبر ازشون حرف بکشن؛ ما هم شوهر و بچه داریم که مدام مثل وروره جادو با هم حرف می‌زنن...»
↑ جایز در کتاب: «چه کسی سبب مرا گاز زد، پدر جدش را جلوی چشمش می‌آورم» به ذکر مفصل و کاربردی رمز موقتیش در کمپانی اپل پرداخته است. این کتاب که برای اولین بار در دنیا منتشر می‌شود و توسط باجناق جایز در اختیار ناشر ایرانی قرار داده شده است، به توضیحات مفصل‌تری از رموز پیشرفته این ناگفته صنعت آی‌تی می‌پردازد. علاقه‌مندان به دریافت این کتاب ارزشمند می‌توانند برای دریافت اطلاعات تکمیلی کد *#۵۵۵ #۴۴۴ را شماره‌گیری کنند تا هم در قرعه‌کشی مصرف یک ساله پودر رختشویی شرکت داده شوند و هم کتاب با پای خودش باید در منزلشان!